



آسیب شناسی کیفر سلب حق حیات با رویکرد تحولی الغاء و تعدیل مجازات حول سند تحول قضائی

رضاجر جندی مقدم^۱، ساره عدالتی^۲

۱- مسئول، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، کارمند دادگستری

۲- همکار، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد میند

چکیده:

از بدو خلقت انسان تا کنون شدیدترین نوع مجازات بشری که صرف نظر از عادلانه یا ظالمانه بودن و چگونگی نحوه اجرای آن، با چالشها و مخالفت هایی همراه بوده، مجازات سلب حیات است. همه انسانها برخوردار از حق حیات هستند. سلب این حق خدادادی با اعمال مجازات شرعی یا قانونی در ادیان و حکومت های مختلف برای افراد و خانواده آنها زیان بار بوده و تبعات اجتماعی و روانشناختی زیادی را در پی دارد. اعمال این نوع کیفر در طول ادوار گذشته هرگز مانع از ارتکاب جرائم دارای مجازات سلب حیات نشده است. در اسلام علاوه بر مجازات اعدام ناشی از احکام تعزیری، اعدام های شرعی ناشی از جرائم حدی و قصاص نفس در قوانین جزایی، احصاء گردیده. با توجه به پیشرفت علم و فناوری های نوین، اصلاح و تدوین آئین نامه هایی راجع به نحوه اجرای احکام کیفری، برای این نقیصه مبنی بر اصلاح قوانین مرتبط، به جزء در موارد بسیار محدود گام موثری برداشته نشده. لزوم رعایت حقوق بشریت در جوامع مختلف و حفظ کرامت و ارزش های ذاتی انسان، اصلاح قوانین منصفانه را در راستای رسمیت و احیاء حق حیات انسانها با اعمال مجازات های اثرگذار به منظور حرمت خون آدمیت ایجاب می نماید. در ایران با مثلث کیفر سلب حیات (اعدام حدی، اعدام تعزیری و قصاص نفس) مواجه هستیم. با عنایت به اینکه دو نوع کیفر حدی و قصاص برگرفته از شرع مقدس اسلام است، صرف نظر از عدم امکان لغو، تعدیل یا اعمال مجازات جایگزین آنها در شرایط خاصی منجمله «توبه و عفو» پیش بینی شده است، لیکن در اعمال و اجرای اعدام تعزیری تعیین مجازات های جایگزین راحت تر صورت خواهد گرفت. در این مقاله حسب اقتضای ضرورت، رعایت حق حیات بشر از حیث برخورداری از قوانین عادلانه، الغاء و یا اعمال مجازات های غیر از کیفرهای سالب حیات و به حداقل رساندن آنها به طور عام در تمام جوامع و به نحو خاص در ایران مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادهای کاربردی به منظور تحول نوین در زمینه قانونگذاری و اصلاح کیفر اعدام، حول سند تحول قضائی ارائه می گردد.

واژگان کلیدی: سلب حیات، کیفر، حقوق بشر، اعدام، سند تحول



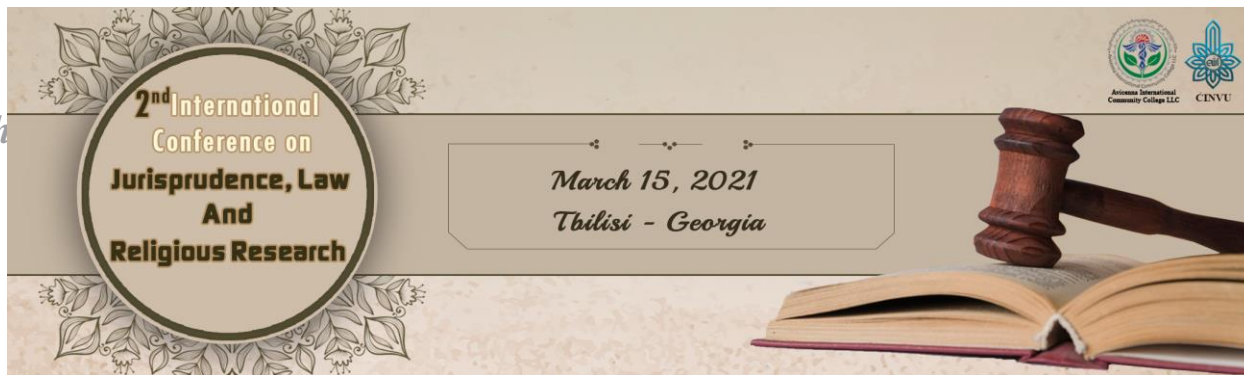
مقدمه:

بیان مسأله: دستگاه قضایی در زمینه فراهم نمودن موجبات تصویب قوانین عادلانه و منصفانه از طریق مرجع قانونگذاری در راستای احقاق حق و اجرای عدالت به سهم خود وظیفه خطیری را عهده دار است. نبود یا ضعف قوانین مناسب، محاکم قضایی را در صدور احکام تعیین مجازات با چالشهایی روبرو خواهد نمود. هرآنسانی اعم از مجرم و خانواده وی از داشتن حق حیات خود و عضو خانواده برخوردار هستند، در این مقاله حسب ضرورت و اقتضاء به آسیب شناسی و تبعات منفی و بلا اثر بودن اعمال کیفر سلب حیات و لزوم تحول در امر قانونگذاری نوین در راستای کاهش یا الغای کیفر اعدام و تعیین مجازاتهای جایگزین و منصفانه پرداخته می شود. تقویت تعامل قوه قضائیه با کمیسیون ها به ویژه کمیسیون قضائی و حقوقی و مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی به منظور فراهم سازی امکان هم افزایی در فرآیند اصلاح و تصویب قوانین «معاونت حقوقی و امور مجلس - کوتاه مدت». (سند تحول قضائی، ۱۳۹۹)

سوال: کیفر سلب حیات چه آثار و پیامدهای اجتماعی از حیث رعایت اصول حقوق بشری دارد؟

فرضیه: بنظرمی رسد با وجود امکان تعیین کیفرهای جایگزین، سلب حق حیات از انسان آثار و پیامدهای زیان باری را بر جامعه و خانواده اعدامی داشته و اعدام کیفر مناسبی برای مجازات مجرم نیست.

در رابطه با مجازات سلب حیات کتب و مقالات زیادی توسط حقوقدانان و ساتید حقوق به ازحاء مختلف تدوین گردیده و اکثریت مخالف با اعمال و اجرای کیفر اعدام هستند. محدود نمودن حیطه تحقیق، حول سند تحول قضایی مبنی بر اصلاح قوانین مرتبط با سلب حیات وجه تمایز این تحقیق است. هدف از تحقیق پیشرو آسیب شناسی و یافتن راهکارهای اجرایی و کاربردی برای الغاء یا تعدیل مجازات سلب حیات است. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است، این مقاله از طریق گردآوری و تدوین یافته ها بر اساس تجربه کاری ۱۵ ساله در دادگستری و انجام تحقیق کتابخانه ای و تجزیه و تحلیل آنها پیرامون سند تحول قضائی انجام می شود. این تحقیق به دو گفتار و یک نتیجه گیری تقسیم خواهد شد. گفتار اول به موضوع سلب حیات انواع آن اختصاص یافته است. در گفتار دوم پیرامون شناسایی آسیب های اعدام و لزوم اعمال مجازاتهای جایگزین پرداخته می شود. در نتیجه گیری با تشریح خلاصه ای از یافته های تحقیق و جمع بندی مباحث، پیشنهاداتی کاربردی در جهت اصلاح قوانین مرتبط با رویکرد تحول قضائی و زمینه سازی اصلاح قوانین فعلی در زمینه الغاء و تعدیل احکام و مجازات قضایی سلب حیات در کیفرهای اعدام تعزیری ارائه می گردد.



گفتار اول: برخورداری انسان از حق حیات و ممنوعیت سلب آن

۱- حق حیات

انسان بعنوان اشرف مخلوقات خداوند و خلیفه الله فی الارض است، از ارزش و کرامت و حقوق مادی و معنوی زیادی در جامه برخورداری است، حق حیات بعنوان حق بنیادی و در رأس حقوق انسان قرار دارد به نحوی که سایر حقوق در زمره حقوق فرعی انسان تحت لوای حق حیات قرار دارند. انسان در واقع این حق را دارد که از این حق خود بهره ببرد. در اسناد و اعلامیه های حقوق بشری و میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، کنواسیون اروپایی حقوق بشر و... به این حق انسان اشاره شده است.

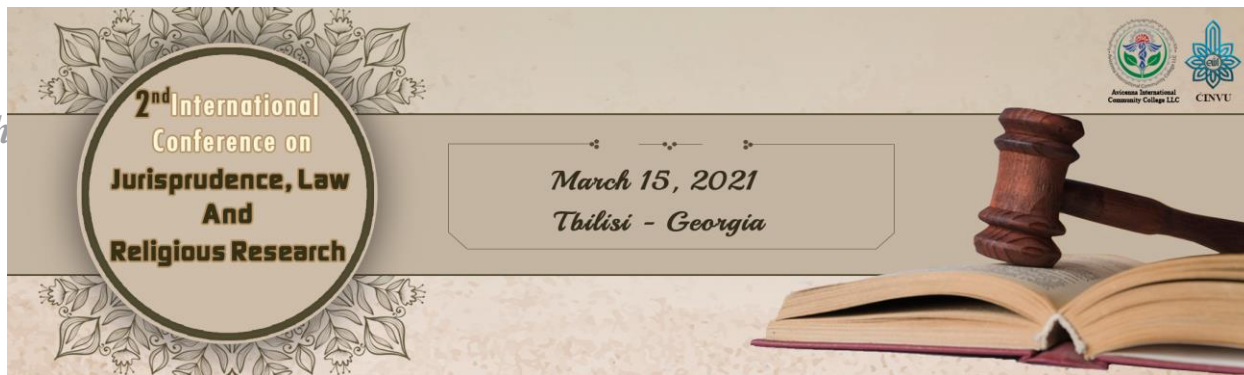
... بلافاصله پس از آنکه در بند ۱ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام می شود، هر موجود انسانی حق ذاتی بر حیات دارد و آنکه این حق باید با قانون حمایت شود، در همان بند مقرر داشته می شود که هیچ کس بی دلیل از حیات خود محروم نخواهد شد. این ماده، معنای حق حیات همانا مصونیت از سلب حیات، مصونیت از قتل، معرفی شده است. پنج بند بعدی، در ماده ۶ یاد شده، به محدود و مقید ساختن و سپس انحلال مجازات اعدام می پردازند، محتوای ماده ۷ بسیار جالب می نماید، چراکه آشکارا به برخی پیامدهای بسیار مهم و ارزش محوری حیات انسان، در قالب حق، می پردازد. این ماده مقرر می دارد که «هیچ کس نباید شکنجه شود یا موضوع رفتار یا مجازات بی رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز واقع شود». (راسخ، ۱۳۹۶)

حق حیات و ممنوع بودن سلب آن، در اسلام و اسناد بین المللی حقوق بشر پذیرفته شده است، گرچه به دلیل وجود مبانی نظری متفاوت، تفاسیر مختلفی در این باره دیده می شود، از دیدگاه اسلام، حق حیات، حق الهی است که به بشر عطا شده و انسان ها به حفظ آن مکلفند. (محمدی الموتی و همکاران، ۱۳۹۶)

... به بیان کلی، حق یک ارزش خادم و فرعی است، حال آنکه حیات انسان یک ارزش مخدوم و بنیادی. از این رو، اگر استحقاق هایی چون مصونیت در برابر حبس ناموجه، شکنجه، قتل، مجازات اعدام، برده داری، کار اجباری و ضرب و جرح با استحقاق هایی همچون ادعای بر غذا، پوشاک، سرپناه و در مان در قالب حق بیان شوند. در درستی آنها به هیچ وجه نمی توان تردیدی رواداشت. هر یک از این حق مصونیت ها یا حق ادعاها در زمره ارزشهای فرعی یا خادم قرار دارند که ارزش بنیادی یا ارزش مخدوم حیات انسان را پاس می دارند. آن استحقاق ها به نوبه خود بر اساس ارزش حیات انسان موجه شده اند و به کار گرفته می شوند. (راسخ، ۱۳۹۶)

در نظام توحیدی، حق حیات منشأیی الهی داشته و از قداست و حرمت بسیار والایی برخوردار است. یکی از مهمترین حقوقی که از جانب خداوند به انسان موهبت شده، حق حیات است و سلب این حق به عنوان مجازات، همواره جزء بحث برانگیزترین مسائل نظام های کفیری بوده است. (قدرتی، ۱۳۹۶)

باعنایت به مطالب فوق، حیات انسان بعنوان اولین حق بنیادی محترم شمرده شده و انسانها ملزم به رعایت و ممنوع از سلب این حق خداداد یا افراد هم نوع خود هستند.



۲- کیفرهای سالب حق حیات

سلب حیات شدیدترین کیفر در بین سلسله کیفرها با روش های اجرایی گوناگون در طول تاریخ همراه بشر بوده و دارای طرفداران و مخالفین بشمار است. در چند دهه اخیر مناقشات بین موافقین و مخالفین این کیفر با عمق بیشتری ادامه داشته است. (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹)

در نظام کیفری ایران سلب حیات در سه قالب کلی جنایت (قتل عمد)، حدود و تعزیرات پیش بینی شده است. در جنایت، سلب حیات تحت عنوان «قصاص نفس» تعیین و اجرامی شود. کیفر سلب حیات در حدود، در جرائمی اغلب جنسی نظیر زنا و لمواط و نیز در تعزیرات در جرائمی نظیر قاچاق مواد مخدر پیش بینی شده است. (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹)

مجازات اعدام در جامعه بشری از دیرباز رواج داشته و در اعصار و اقوام و ادیان مختلف اعمال می شده است، هم اکنون نیز رایج است. در عین حال نظریه های جرم شناسی، بررسی روانشناسان و تحقیقات جامعه شناسی اثبات کرده چنین مجازاتی چندان سودمند نیست. بر این اساس در دهه های اخیر اعتراضات و مخالفت ها هم به اصل اعدام و هم به نحوه اجرای اعمال آن شدت گرفت و در نهایت از اعمال مجازات اعدام کاسته و اقدامات زیادی در سطح جهان در جهت لغو آن به عمل آمده است. (قدرتی، ۱۳۹۶)

مجازاتهای قانونی سالب حق حیات انسان که حق برخورداری از حق حیات او را مخدوش می نمایند در حقوق کیفری ایران به شرح ذیل بر شمرده می شوند:

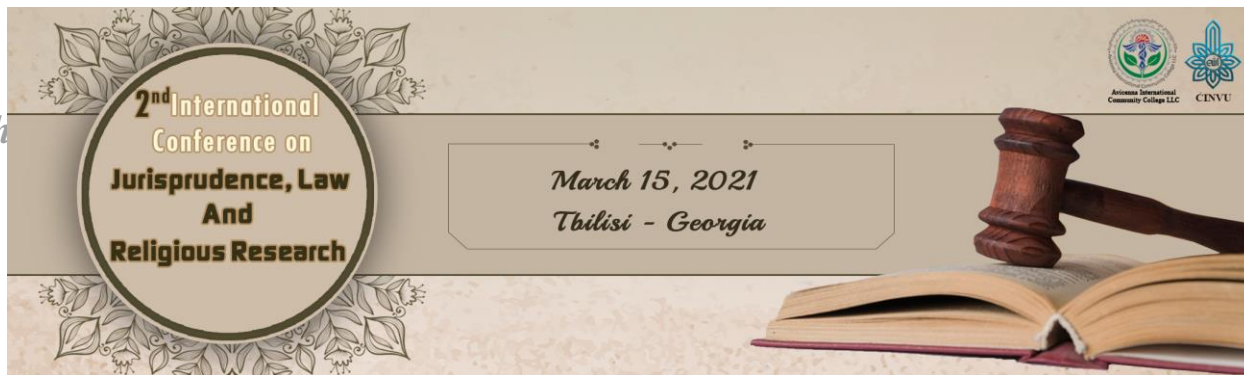
الف: قصاص نفس

قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می شود. (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۶)

کلمه قصاص در نوشته های انگلیسی معادل «تساوی» و «مکافات»، «مجازات» یا «سزادهی» و بعضاً به معنی «انتقام» بکار رفته که به نظریه رسد لفظ اخیر، حد اقل در مفهوم اسلامی قصاص، با آن هماهنگی ندارد. زیرا هدف از اجرای قصاص در فرهنگ اسلامی گرفتن انتقام نیست بلکه به تعبیر قرآن مجید (ولکم فی القصاص حیوه یا اولی الالباب، بقره، ۱۷۹) حفظ حیات است و تأکید بر عفو و امکان جایگزینی آن بادیه در بسیاری از موارد نشانگر همین امر است. (صفاری، ۱۳۹۱، ص ۴۱)

اعدام قصاصی؛ این اعدام در مواردی که تلعمد اجرا می شود و دارای شرایط خاصی است. حضور شاکی خصوصی در آن، به اندازه ای پررنگ است که آن را از قلمرو قواعد آمره خارج می کند. اجازه ولی فقیه و دیگر عوامل نیز در آن مؤثر است. (دوستی، ۱۳۹۵)

مجازات قتل عمد که در زمره جنایات بعنوان عاملی برای سلب حیات انسان قرار دارد، قصاص نفس است. در آیه ۱۷۹ سوره بقره عنوان قصاص صراحت بیان شده است. در حقیقت یکی از محورهای مثلث سلب حیات (اعدام حدی، اعدام تعزیری، قصاص نفس) است که کیفر خشن ترین نوع جرم ارتكابی توسط بشر می باشد و بعنوان جرمی قابل گذشت از ناحیه



صاحب حق قصاص قابل عفو و بخشش است. با عنایت به تعیین نوع کیفر قتل عمد در قرآن به عنوان منبع اصلی قانون گذاری اسلامی گزینه ای برای جایگزینی مجازات آن در صورت عدم گذشت صاحب حق وجود نداشته باشد و اجرای آن بلا لحاظ خصوصی بودن این کیفر، اجتناب ناپذیر بوده و تنها ولی دم مقتول است که تصمیم گیرنده است.

مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می گردد. (قانون مجازات اسلامی، ماده ۳۸۱)

اعدام یک مجازات عمومی است، اما قصاص یک مجازات خصوصی است که تنها با درخواست اشخاص عادی ذی نفع، قابل اعمال است. قرآن کریم به عنوان مهمترین منبع قانون گذاری در شریعت اسلام، قصاص را تجویز کرده و فلسفه آن را حیات اجتماعی و رسیدن به مرحله تقوا و اجتناب از خونریزی دانسته است. (قدرتی، ۱۳۹۶)

قصاص حق خصوصی و متعلق به ولی مقتول است و قابل سقوط با عفو از طرف صاحب حق است، به عبارت دیگر قصاص در واقع مجازات به حساب نمی آید یا به اصطلاح فقهی آن را نمی توان حد دانست، بلکه در حقیقت نوعی حق است برای ولی دم و لذا با شکایت او قابل تعقیب است و با عفو او ساقط می شود. (جعفری، ص ۲۲۸)

صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم می تواند به طور مبنایی یا با مصالحه، در برابر حق یا مال گذشت کند. (قانون مجازات اسلامی، ماده ۳۴۷)

قصاص حق است نه مجازات؛ در خصوص قصاص خیلی راحت و روشن از آیات قرآن و سیره پیشوایان دین می توان استفاده کرد که اسلام نظر خوشی به اعمال آن نداشته بلکه توصیه به عدم اجرای آن کرده و به عبارت روشنتر دین اسلام قصاص را حق دانسته اما آن را دواي درد ندانسته بلکه صریحا و به صورت اخلاقی از مسلمانان خواسته که قاتل را بیخ شند. (دوستی، ۱۳۹۵)

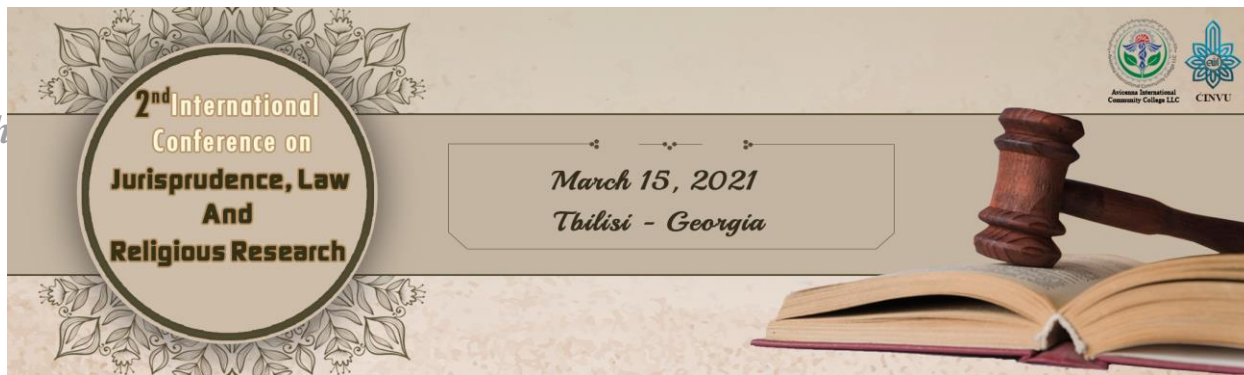
با عنایت به مطالب فوق درمی یابیم که فقه و حقوق کیفری اسلام هیچگاه اصرار بر سلب حیات انسان ندارد و ضمن مراعات حفظ ارزشهای والای انسانی موجبات سقوط کیفر قصاص نفس را از طریق پیش بینی ابزاری تحت عنوان گذشت صاحبان حق مدنظر قرار داده است. ماده ۱۰۰ و ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی موبد این مطلب است.

ب: اعدام حدی

حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است. (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۵) اعدام حدی را می توان چنین تعریف کرد: (مجازات مرگی است که از طرف شارع مقدس معین شده و نمی توان آن را به کمتر از مرگ تقلیل داد). اعدام حدی بر طبق یک تقسیم بندی این گونه تقسیم می شود: (شمس ناتری، ۱۳۷۸ ص ۸۴)

الف. جرایم جنسی که شامل زنا (زناي محصنه یا زناي با محارم یا تجاوز به عنف یا زناي غیر مسلمان با زن مسلمان) و لواط است.

ب. جرایم علیه دین و امنیت اجتماعی که شامل محاربه و ارتداد است.



ج. جرایم تکرار جرم، همچون اجرای سه حد زنا و تکرار برای بار چهارم که در بار چهارم اعدام می شود و..... (تحریر الوسیله، امام خمینی (ره) ج ۴۶۴:۲)

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ یکی از موارد سقوط مجازات مجرم، توبه است که باتوجه به نوآوریهای این قانون، به صراحت در مواد ۱۱۴ الی ۱۲۱ این امتیاز شرعی و قانونی مساعد به حال مجرم بیان شده است. بنابراین حقوق جزای اسلام مطلقاً و بدون پیش بینی و اعمال راههای فقهی و قانونی تأکید بر اعمال و اجرای مجازات سلب حیات (حدی) ندارد. بلکه مجرم مورد توجه شرع و قانون اسلام بوده و موجبات سقوط این کیفر حدی سلب کننده حیات انسان را فراهم نموده است.

برای فراهم نمودن موجبات سقوط مجازات اعدام حدی لازم است توجه ویژه ای منجمله اقدامات ذیل صورت گیرد:

۱- استفاده از ظرفیت حق توبه در جرایم حدی توسط مجرم به منظور تعدیل مجازات و کاهش مجازات اعدام حدی
 ۲- در جهت کاهش میزان اعدام ناشی از جرائم حدی علاوه بر استفاده از ظرفیت شرعی توبه، ترغیب مجرم به عدم اقرار حسب شرایط ارتکاب جرم لازم می آید. مجرمان دارای بیش از ۲ یا ۳ فقره محکومیت حدی برای جلوگیری از ارتکاب بزه حدی برای بار چهارم که منتهی به اعدام میگردد، به طرق مقتضی با معرفی به مشاورین و روانشناسان موجبات اصلاح و بازپروری مرتکبان فراهم گردد تا از تکرار بزه مستوجب حد در امان باشند.

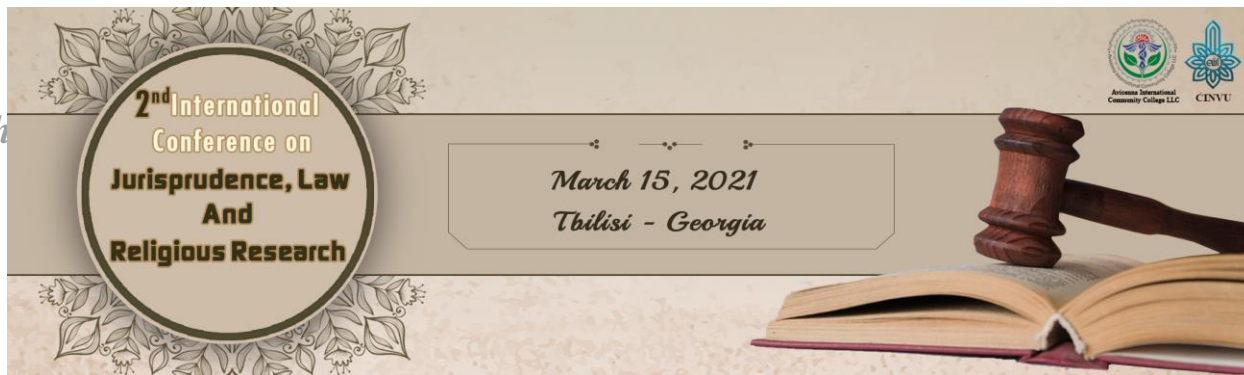
۳- اصلاح آپین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین به منظور عفو محکومین حدی، وفق مفاد مواد ۲۴ و ۲۶ بخصوص بند ۶ ماده ۲۶ این آئین نامه به عنوان یک اقدام معنوی برگرفته از رأفت اسلامی

ماده ۲۶: موارد زیر مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات نمی شود: ۱- قاچاقچیان حرفه ای ۲- موارد حق الناس ۳- سرقت مسلحانه ۴- تجاوز و زنا به عنف ۵- مصادیق مهم جرایمی از قبیل: جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشاء و آدم ربایی ۶- محکومین به جرائم مستوجب حد شرعی اعدام و رجم مانند زنانای محصنه و لواط مشروط به این که جرم آنان با شهادت شهود عادل ثابت شده باشد. (آئین نامه کمیسیون عفو، ۱۳۸۷)

پ: اعدام تعزیری

تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد.. (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۸)

(مجازات مرگی که از طرف حاکم معین می شود). بی شتر فقهی شیعه اعتقاد دارند که اصل در تعزیر ما دون حد است؛ ولی برای عدول از این اصل و اجرای مجازات بالاتر از حد می توان به یکی از سه عمل زیر استناد کرده، اعدام تعزیری را جایز شمرد. این عمل عبارت است از: مصلحت فرد و جامعه، قیام در مقابل افساد فی الارض و نهی از منکر. در میان فقهای اهل سنت نیز اختلاف هست، اما در برخی موارد، اعدام تعزیری را پذیرفته اند. (شمس ناری، ۱۳۷۸، ص ۱۶۱)



پیرامون مبحث اعدام تعزیری و جواز یا عدم جواز شرعی تعبیه این قسم از کیفرها در میان قوانین و مقررات موضوعه، شماری از فقها نه تنها به مشروعیت مجازات مرگ بلکه هر نوع مجازات دیگری غیر از ضرب باتازیانه رضان داده و تنها قسم اخیر را مصداق واحد مفهوم مجازات تعزیری دانسته اند. عده ای دیگر قول به جواز اعدام از باب تعزیر را پذیرفته و یدحاکم اسلامی در تعیین کیفرهای تعزیری را به نحو مبسوط فرض نموده اند، سرانجام دسته سوم از فقها، علیرغم این که مصادیق دیگری غیر از شلاق را در زمره مجازات های تعزیری محسوب کرده اند، بر این باور نیز پای می فشارند که مجازات های تعزیری از حیث شدت و میزان، به هیچ وجه نباید فراتر و یا حتی همپایه مجازات های حدی باشد. (حیب زاده و علی پور، ۱۳۹۲)

کیفر اعدام مصون از کاستی و ابهام نیست. اعدام در جرائم موادمخدر مستند فقهی یقینی ندارد، در چشم انداز آموزه های کیفرشناختی و جامعه شناختی هم بیان موفقی رقم نزده است. دکترین حقوقی معاصر از یک سو نظریه ای در جدال و مخالفت با اعدام چهره نمایی کرده و از سوی دیگر هم نظریه ای در هم زیستی و دفاع از آن تالو یافته است. این کیفر مدافعانی معتقد به رأی خود دارد، از سویی مخالفانی را پیشروی خود می بیند که تلاش برای حذف و تعدیل آن را جهادی در عرصه تفقه عالمانه و تبع انتقادی و اجتماعی می دانند. (ساک و کونانی، ۱۳۹۸)

در راستای الغای کیفر اعدام تعزیری موضوع قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، ضرورت اعمال ماده ۴۶ این قانون راجع به اصلاح این قانون امروزه جزء اقتضائات مهم زمان بوده و با عنایت به سندتول قوه قضائیه امیدواریم که این اتفاق رقم بخورد، که البته چنین اقدامی متحولانه بعید بنظر می رسد.

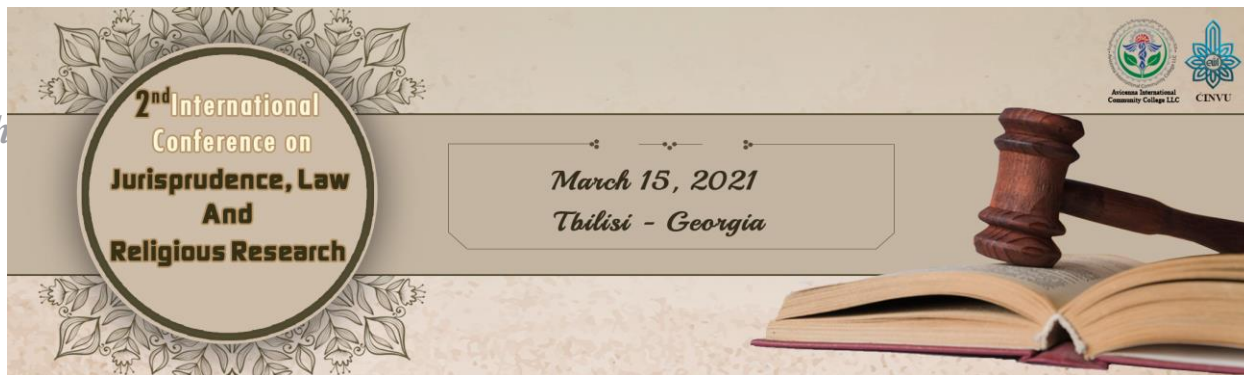
مواد قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر که در آنها مجازات اعدام برای مرتکبان جرم قید شده عبارت از بند ۴ ماده ۲، بند ۴ ماده ۴، بند ۵، ۶ و ۷ ماده ۵، ماده ۶، بند ۶ ماده ۸، ماده ۹ و ماده ۱۸ می باشند. امیدواریم روزی شاهد اصلاح کل این قانون در کشورمان ایران باشیم.

هر کس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند و یا برای تولید موادمخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر امحای کشت، بر حسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد. ۱- بار اول، ده تا صد میلیون ریال جریمه، ۲- بار دوم، پنجاه تا پانصد میلیون ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق ۳- بار سوم، صد میلیون تا یک میلیارد ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس ۴- بار چهارم اعدام. (قانون مبارزه با موادمخدر، ماده ۲)

گفتار دوم: شناسایی آسیب های اعدام و لزوم اعمال مجازات های جایگزین

الف: آسیبها و چالشهای اعدام

با اعدام یک فرد، خانواده وی برای سالیان طولانی علاوه بر اینکه با آسیب ها و چالشهای اجتماعی مواجه می شوند، سرافکننده و از برخی حقوق اجتماعی نیز محروم خواهند شد. فرزندان این افراد در جامعه حق زندگی دارند تا مانند دیگر افراد جامعه بتوانند از ابزارها و ظرفیتهای لازم منجمله حق استخدام برخوردار بشوند در حالیکه بلحاظ اعدام یک عضو خانواده در زمینه استخدام با مشکلاتی اساسی در امر تحقیق و جذب روبرو می شوند.



مجازات اعدام در حوزه جرائم مواد مخدر سالهای متعاقب است که به عنوان یک معمای پیچیده، نظام عدالت کیفری و پژوهشگران این حوزه رابه خودمشغول کرده است. (جوان جعفری وهمکاران، ۱۳۹۷)

هزینه ای که جامعه در قبال حذف یک فرد می دهد به مراتب بالاتر و وسیع تر از اهداف بازدارندگی اعدام است. گسیختگی خانواده های اعدامی نه تنها فرد فرد افراد خانواده را در معرض شدیدترین آسیبهای اجتماعی قرار می دهد، بلکه مبدأ و مرکز نقل آسیب به دیگر بخش های جامعه نیز هست. (فرجیها وهمکاران، ۱۳۹۶)

در نظام کیفری اسلام نیز از جمله اصول بنیادین، حق حیات و کرامت از سانی است. کشتن یک انسان (ولو به عنوان مجازات) نیاز به دلایل قوی (حکما و موضوعا) دارد، هر چند قانونگذار ایران پس از انقلاب در پیش بینی مجازات اعدام گشاده دستی کرده و به دور از این احتیاط عمل کرده است. بی جهت نیست که قانون مبارزه با مواد مخدر از صافی شورای نگهبان گذرنکرده و با مهر مجمع تشخیص مصلحت نظام اجرایی شده است. (حدادزاده نیری وهمکاران، ۱۳۹۹)

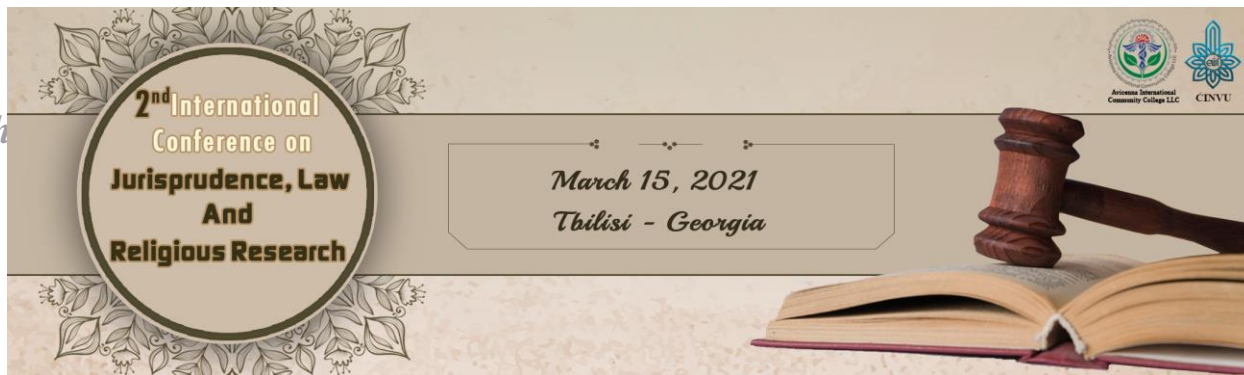
آثار اعدام بر خانواده های اعدام شدگان سالها پابرجا و دارای عواقب زیانبار اجتماعی خواهد بود. اگر چه به ظاهر کیفر مرگ تنها بر فرد محکوم اعمال می شود، اما از آغاز فرآیند رسمی تعقیب متهم به مجازات اعدام تا پس از اجرای حکم، آسیب های فراوانی بر خانواده اعدام شده به ویژه افراد آسیب پذیر، زنان و کودکان مترتب می شود. (میرسعیدی و کوره پز، ۱۳۹۸)

مجازات شرط لازم و نه کافی برای شرط جرم است، ضمن اینکه اگر از حد معینی بیشتر شود، ممکن است در برخی موارد نقش بازدارندگی خود را از دست بدهد، به علاوه با افزایش مجازات در برخی جرائم منافع ارتکاب جرم هم بیشتر و در نتیجه رغبت به آن افزون تر می شود و از همه اینها گذشته مطالعات تجربی نشان داده است که مجازات اعدام چندان هم مانع از افزایش ارتکاب جرم نیست و مجازات های اجرا شده در زمینه مواد مخدر نمونه روشن آن است. (دوستی، ۱۳۹۵)

ب: اعمال مجازات جایگزین یا سالب آزادی

به جای مجازات مرگ، حقوق شهروندی و حفظ کرامت و ارزشهای انسانی ایجاب می نماید مجازات خفیف تری در حالی که حیثیت و شرافت انسانی را مخدوش نکند و امکان معالجه و درمان مجرم را فراهم نماید، اعمال شود. در جرائم حدی و قصاص نفس موجبات سقوط کیفر اعدام محسوب پیش بینی ابزارهای شرعی و قانونی یش بینس گردیده است. بنابراین در جرایم تعزیری که به نوعی تعیین میزان و کیفیت مجازات آنها بستگی به مواد قانونی و مقام قضائی رسیدگی کننده دارد، نیز با اصلاح قوانین و مقررات موضوعه مرتبط می توان با اعمال مجازات سالب آزادی از سلب حیات مجرم جلوگیری کرد.

مطالعات تجربی نشان داده که مجازات اعدام چندان هم مانع از افزایش ارتکاب جرم نیست و اعدام های اجرا شده در زمینه مواد مخدر که امروزه قانونگذار در صدد اصلاح و حتی لغو آن برآمده، نمونه روشن آن است، به نظر می رسد که بازنگری در سیاست جنایی و کیفری موجود، نه تنها امکانپذیر، بلکه ضروری است. (قدرتی، ۱۳۹۶)



در جرائم سالب حیات سه گانه برخلاف نوع حدی و قصاص نفس، کیفر اعدام تعزیری با اصلاح قوانین مربوط می تواند به مجازاتهای خفیف تری در قالب مجازات سالب آزادی تبدیل و جایگزین گردد. با عنایت به تلاش جوامع بشری برای لغو اعدام و تعیین مجازات جایگزین برای مرتکبین جرائم تعزیری، بر حسب نوع و اهمیت جرم، در نظر گرفتن سن مجرم، تعیین مجازاتی تلفیقی به شرح ذیل را ایجاب می نماید:

۱- حبس تعزیری بلند مدت ۲- تبعید و نفی بلد ۳- محرومیت شدید از برخی حقوق اجتماعی ۴- جزای نقدی زیاد
مجازات اعدام از دیگر مسائلی است که بکار یا مطرح کرده و با آن به مخالفت پرداخته است. از نظر بکار یا مجازات اعدام طبق قرارداد اجتماعی قابل توجیه نیست چرا که نه تنها به اعتقاد او اعدام کار آیی و تأثیر ارعابی کمی دارد بلکه اعضای جامعه فقط به آن میزان از حقوق خود می گذرند که برای تدمین سایر حقوق و منافع آنان ضروری باشد. حق حیات که بالاترین حق مردم است قابل چشم پوشی نیست و طرف دیگر قرارداد اجتماعی، یعنی دولت نمی تواند به استناد حفظ سایر حقوق و منافع مردم بالاترین نفع طرف مقابل (مردم) را به مخاطره اندازد. (صفاری، ۱۳۹۱، ص ۶۷)

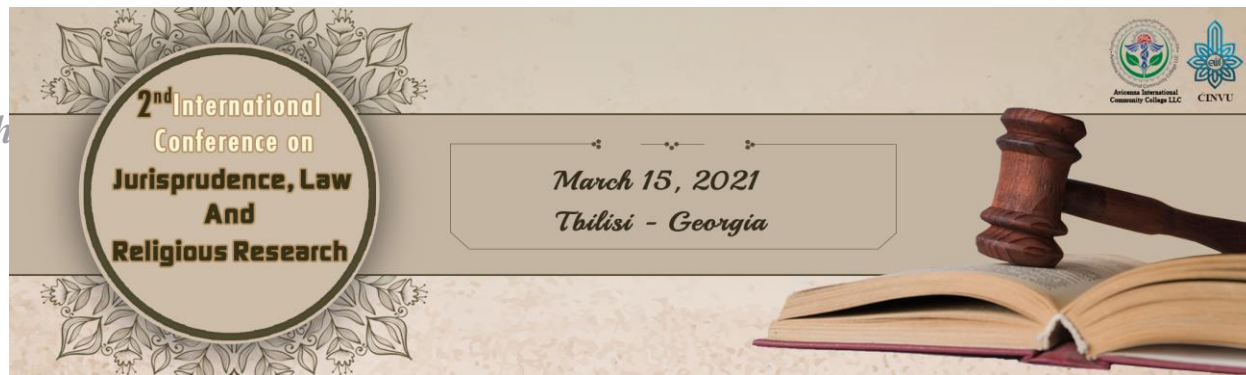
در کنار تأسیسات حقوقی همچون معافیت های «قانونی» و «قضایی»، نهاد «تبدیل مجازات» قرار دارد. تبدیل مجازات در مفهوم اعم اقدامی در راستای فردی کردن مجازات، جلوگیری از تضییع حقوق مجنی علیه یا اولیای دم، جلوگیری از وهن دین، تحدید استفاده از زندان و نیز تحقق عدالت قضایی و تعذیبی عادلانه است. (مرادی، ۱۳۹۶)

بسیاری از افراد اعدامی در ایران بخصوص در زمینه مواد مخدر به لحاظ مشکلات مالی و بیکاری به خرید و فروش یا حمل مواد مخدر روی می آورند، با دستگیری و اعدام نه تنها جان خود را از دست می دهند بلکه افراد خانواده از معضل فقر و بیکاری رهایی نیافته و با مشکلات عدیده ای روبرو می شوند. تأمین نیازهای مادی و معنوی افراد خانواده اعدامیان به منظور پیشگیری از آسیبهای اجتماعی و درگیر شدن اعضای خانواده در امر خرید و فروش مواد مخدر خالی از فایده نخواهد بود.



نتیجه گیری:

حسب تحقیق صورت گرفته به این نتیجه دست یافتیم که در واقع طرفداران الغاء و تعیین مجازاتهای جایگزین کیفرهای سالب حیات در اکثریت قرار دارند، در حقوق کیفری ایران گرچه الغای مجازات اعدام حدی و قصاص نفس به راحتی امکانپذیر نیست ولی غیرممکن نیست و ابزارهای شرعی و قانونی برای سقوط کیفر حدی سلب کننده حیات پیش بینی شده است، ولی الغای اعدامهای تعزیری به سهولت و با اتخاذ تدابیر قانونی از طریق اصلاح قوانین موضوعه مربوطه و اعمال مجازاتهای سالب آزادی امکانپذیر است. در سند تحول قضایی موضوع اصلاح قوانین به صورت عام و کلی مورد تصریح قرار گرفته است، لازم است که این اصلاح و تدوین قوانین را به قوانین کیفری موضوع کیفرهای تعزیری سالب حق حیات بشری تسری داد. حیات انسان حق بنیادی است، مجازاتهای سالب حیات بعنوان کیفری خشونت بار این حق را از مجرم سلب می کنند. راجع به نحوه اعمال و اجرای مجازات سلب حیات هیچگاه توافق نظر وجود نداشته است. در عرصه بین المللی گامهای موثری در راستای لغو کیفر اعدام برداشته شده و در برخی از کشورها این مجازاتها لغو گردیده و اجرایی شده است. لیکن در حقوق کیفری ایران بعنوان یک کشور اسلامی گرچه مجازاتهای سالب حیات (قصاص نفس، رجم، سلب و اعدام) همچنان وجود داشته و اعمال می گردند ولی هرگز صرار برای اجرای مطلق این مجازات وجود ندارد، در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ موارد سقوط این کیفر از طریق توبه مدنظر قرار گرفته است. در حقوق اسلام گرچه الغای مجازات اعدام حدی و قصاص نفس تحت شرایطی ممکن نیست، لیکن با اتخاذ تدابیر قانونی و با استفاده از ظرفیتهای شرعی و قانونی توبه در جرائم حدی و اخذ ضایع اولیای دم بعنوان صاحبان حق قصاص، این امر قابل تحقق است. در جرائم تعزیری با اصلاح قوانین مربوط منجمله قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و تدوین قوانین اثربخش امکان لغو مجازات اعدام تعزیری پس از رفع موانع میسر خواهد بود. همین که در سند تحول قضایی مصوب سال ۱۳۹۹ قوه قضائیه لزوم اصلاح قوانین مطرح گردیده، می توان امیدوار بود که در آینده این قدم در عرصه قانون گذاری برداشته خواهد شد. کیفر گذاری (تقنینی) و کیفر گزینی (قضایی) از آن رو از اهمیت ویژه ای برخوردار است که ارتباطی مستقیم با حقوق بنیادین بشر دارد. حق حیات مهم ترین این حقوق است و کیفر اعدام تعارضی انکارناپذیر با این حق دارد. کیفر اعدام علیرغم تحدید آن در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و علیرغم مخالفت های جدی جنبش های لغو مجازات اعدام، همچنان جایگاهی قابل توجه در برخی نظام های عدالت کیفری دارد. حضور کشورهای چون ایالات متحده آمریکا و چین در میان کشورهای دارنده مجازات اعدام از جمله موانع جدی در الغای کلی آن است. اما به هر حال مخالفان اعدام توانستند سازمان ملل را مجاب کنند تا در سال ۱۹۸۹ در «دومین پروتکل اختیاری الحاقی به میثاق حقوق مدنی و سیاسی» مجازات اعدام را ممنوع کند. (حدادزاده نیری و همکاران، ۱۳۹۹)



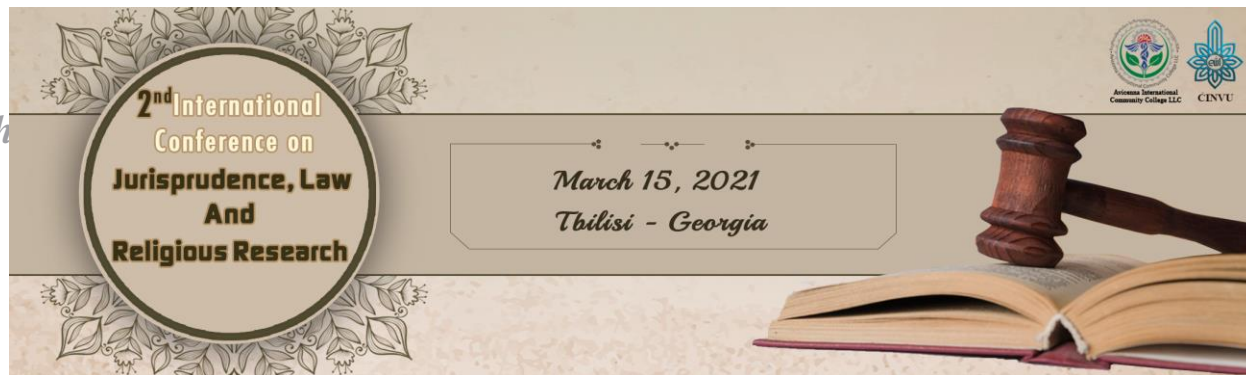
پیشنهادات:

- ۱- اصلاح و عنداللزوم تصویب قوانین و آئین نامه های جزایی در جهت رفع خلأ های قانونی به منظور الغاء و کاهش مجازات سلب حیات (اعدام تعزیری قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام)، پیرامون برنامه های سند تحول قضائی
- ۲- تجمیع و طبقه بندی و تنقیح قوانین و مقررات قضایی (کیفری و...) بابهره گیری از روش های نوین قانونگذاری (بر اساس سند تحول) بارویکرد انسانی و هدفمند به کیفر
- ۳- تصویب دستورالعمل اصول نگارش و تدوین لموایح و مقررات و تعیین فرایند تصویب آن بر اساس سند تحول قضائی قوه قضائیه، جهت تصویب قوانین کارآمد و اثربخش با حذف مواد مرتبط با سلب حیات قانون مجازات اسلامی و قوانین خاص، ضمن اعمال ماده ۴۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۴- گفتمان سازی، تصویب و ایجاد کنوانسیون حقوق بشر اسلامی در معیت سازمان کنفرانس اسلامی در جهت استفاده از ظرفیتهای فقهی برای الغای اعدامهای تعزیری و کاهش اعدامهای حدی
- ۵- اصلاح آئین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین به منظور عفو محکومین حدی
- ۶- ایجاد تدابیر قانونی لازم در راستای کاهش آثار و آلام ناشی از آسیب های اجتماعی بر خانواده اعدامیان به منظور تأمین نیازهای مادی و معنوی آنها و بلااثر نمودن محرومیت های حقوق اجتماعی اعضاء خانواده با تصویب قانون



فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- اکبری، جهاندار؛ آشوری، محمد؛ اردبیلی، محمدعلی؛ صفاری، علی، ۱۳۸۸، فلسفه سلب حیات باز گاهی بر حقوق کیفری ایران، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۳۰
- ۲- آئین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷، قوه قضائیه
- ۳- جعفری، محمد تقی، ۱۳۸۵، حقوق جهانی بشر، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ اول
- ۴- جوان جعفری، عبدالرضا؛ سفندیاری بهر آسمان، محمد صالح، ۱۳۹۷، نگرشی جامع به شناخت سانه برتحوالات مجازات اعدام مجرمان مواد مخدر، نشریه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۵
- ۵- حبیب زاده، محمد جعفر؛ علی پور، عادل، ۱۳۹۲، منع مجازات اعدام تعزیری در فقه امامیه، نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۹
- ۶- حدادزاده نیری، محمدرضا؛ حبیب زاده، محمد جعفر؛ فرجیها، محمد، ۱۳۹۹، واکاوی اثربخشی اعدام در جرائم مواد مخدر در پرتو نظریه های تحلیل اقتصادی جرم، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۳۱
- ۷- دوستی، مسلم، ۱۳۹۵، مجازاتهای جایگزین اعدام، نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۵
- ۸- راسخ، محمد، ۱۳۹۶، حق یا ارزش؟ نکته منطقی در باب ادعای حق بر حیات، نشریه تحقیقات حقوقی
- ۹- ساکی، محمدرضا؛ کونانی، سلمان، ۱۳۹۸، باید و نبایدهای حذف مجازات اعدام از جرائم مواد مخدر، نشریه دیدگاه های حقوق قضائی، شماره ۸۷
- ۱۰- سند تحول قضائی، ۱۳۹۹، رئیس قوه قضائیه
- ۱۱- شمس ناتری، محمد ابراهیم، ۱۳۷۸، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم
- ۱۲- صفاری، علی، ۱۳۹۱، کیفرشناسی (تحوالات مبانی و اجرای کیفر)، چاپ بیستم، تهران، انتشارات جنگل
- ۱۳- فرجیها، محمد، شیخ الاسلامی، عباس، ساطعی، آزاده، ۱۳۹۶، تأثیر اعدام بر گرایش اعضاء خانواده فرد اعدام شده به ارتکاب جرایم و رفتارهای انحرافی، وکیل مدافع- فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۶
- ۱۴- قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن، مصوب ۱۳۷۶، مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۱۵- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲
- ۱۶- قدرتی، نورالله، ۱۳۹۶، علل گرایش به مجازات اعدام در قانونگذاری، نشریه فقه اهل بیت، شماره ۸۹
- ۱۷- محمدی الموتی، محسن؛ جلالی، محمود؛ شوشتری، مهدی، ۱۳۹۶، حق حیات و سلب آن از منظر اسلام و حقوق بین المللی بشر با تأکید بر عملیات انتحاری، نشریه انسان پژوهی دینی، شماره ۳۷
- ۱۸- مرادی، حسن، ۱۳۹۶، تبدیل قصاص در حقوق کیفری ایران، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۱



۱۹- میرسعیدی، سیدمنصور؛ کوره پز، حسین محمد، ۱۳۹۸ مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، نقش رهبران سیاسی اجتماعی در تعدیل سطح کیفر گزایی عمومی، مطالعه موردی مرگ، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی